

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نتیجه‌های تقوا

مؤلف: شیخ دکتر سفر بن عبدالرحمن الحوالی

مترجم: پدرام اندایش

---

نام کتاب: نتیجه‌های تقوا

---

مؤلف: شیخ دکتر سفر بن عبدالرحمن الحوالی

---

مترجم: پدرام اندایش

---

ناشر: بوکان - انتشارات

---

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

---

چاپ: بوکان - رامان

---

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

---

قیمت: ریال

---

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

## بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است و صلوات و سلام الله بر بنده و فرستاده‌اش، محمد امام پرهیزگاران و بر آل و صحابه‌ی پاک و مطهرش، اما بعد:

برادران گرامی! از الله تبارک و تعالی درخواست می‌نمایم تا در این شب پاک و مبارک، جمع شدن ما را جمع شدنی همراه رحمت قرار دهد و جدا شدن ما بعد از آن را جدا شدنی معصوم قرار دهد و در بین ما بدبخت و محرومی را قرار ندهد... هر کدام از ما باید دعایی را نماید که رسول الله ﷺ آن دعا را انجام نمود: «اللَّهُمَّ اَتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكِّهَا اَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا اَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا» (یا الله! به نفس من تقوای آن را بده و آن را تزکیه نما و تو بهترین کسی هستی که آن را پاک می‌نمایی، تو یاور و مولای آن هستی. یا الله به تو پناه می‌برم از

علمی که سود نمی‌دهد [و به آن عمل نمی‌شود] و از قلبی که خشوع نمی‌یابد و از چشمی که گریه نمی‌کند و از درخواستی که مستجاب نمی‌شود). از الله ﷻ درخواست می‌نماییم تا از روی منت و بخشش و کرمش من و شما را در زمره‌ی متقیان محشور نماید و شیرینی تقوا را در قلبهای ما قرار دهد و همچنین ایمان، یقین، اخلاص برای الله تعالی، جهاد در راه الله متعال و دعوت به سوی الله ﷻ را در قلبهای ما قرار دهد، تا آن زمانی که به دیدار الله متعال می‌رسیم. به الله تعالی پناه می‌بریم که بین ما و بین قلبهای ما جدایی افکند و ما را حتی به اندازه‌ی یک چشم بهم زدن، به حال خود رها کند.

این موضوعی است که حق آن را عطا نکرده‌ام و چه کسی می‌تواند حق تقوا را بجا آورد، مگر رسول الله ﷺ، کسی که با سخنش ما را راهنمایی نموده است و ما را به انجام دادن عملش، متمسک نموده است، او باتقواترین مخلوق الله تعالی بوده است و از همه‌ی آنها به الله تعالی عالمتر بوده است و از

همه‌ی آنها از الله ﷻ بیشتر می‌ترسیده است، ولی بر ماست که نتایج آن را بیان داریم و امید به الله ﷻ داشته باشیم تا توسط آن بر ما منت نهد، همانا او شنوای اجابت کننده است.

\*\*\*

### تَقْوَا وَ تَوَمِّدْ

کلمه‌ی تقوا، کلمه‌ی توحید است. بزرگترین چیزی که الله تبارک و تعالی ما را به آن امر نموده است، همان توحید الله تعالی است، همان لا اله الا الله است که الله تعالی آن را در کتابش کلمه‌ی تقوا نامیده است، می‌فرماید: ﴿وَالْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا﴾ [الفتح: ۲۶] (و بر آنان کلمه‌ی تقوا را لازم نمود و آنها سزاواتر به آن هستند و اهل آن می‌باشند). آن همان کلمه‌ی اخلاص و کلمه‌ی تقواست و به آن اضافه شده است، زیرا اهمیت آن زیاد است و به آن شدیداً تعلق دارد. تقوا برای مشرک وجود ندارد، تقوا برای کسی که مرتکب بزرگترین گناه شده است، وجود ندارد، الله تعالی

می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸] (الله این که به او شرک ورزیده شود را نمی‌آمرزد و پایین‌تر از آن را برای کسی که بخواهد می‌بخشد). کسی که از الله تعالی نافرمانی کند و خودش را گرفتار موبات و هلاک‌کننده‌ها قرار دهد، تقوایی برای او وجود ندارد و باید از اهل توحید باشد، چگونه از باتقوایان خواهد بود، در حالی که در عبادت پروردگار جهانیان، دچار شرک می‌شود، همان پروردگاری که پرستش شونده‌ی برحق جز او وجود ندارد؟! بزرگترین امری که با تقوا منافات دارد، شرک به الله ﷻ است، سپس بدعت گذاشتن در دین الله تعالی. بعد از شرک نافرمانی بزرگتر نسبت به الله تعالی، از بدعت گذاشتن نمی‌باشد، بدین صورت که الله تعالی را به گونه‌ای عبادت کند که او آن را نازل ننموده است و همچنین رسول الله ﷺ بدین شکل او را عبادت نکرده است.

## نتیجه‌های تقوا// ۵

در نتیجه، لا إله إلا الله همان کلمه‌ی تقواست، همان گونه که پیشینیان علیهم‌السلام آن را این گونه تفسیر نموده‌اند و اینجاست که معلوم می‌شود که دین ما دین تقواست، زیرا تمامی دین ما در گواهی دادن لا إله إلا الله و محمد رسول الله خلاصه شده است. به اندازه‌ای که تقوا برای بنده وجود داشته باشد، توحیدی برای او وجود دارد که همان راه نجات در دنیا و آخرت است، همچنین الله تبارک و تعالی در کتاب خود، در اولین سوره بعد از سوره‌ی فاتحه، می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲] (آن کتابی است که شکی در آن وجود ندارد و هدایتی برای باتقوایان می‌باشد)، الله تعالی آن را هدایتی برای متقیان قرار داده است و این کتابی که الله تبارک و تعالی نازل نموده است، نور، هدایت، دلیل و روشنایی برای متقیان است: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲] (هدایتی برای متقیان است). این توصیف قرار داده نشده است، مگر از روی اهمیت تقوا و اگر نه توصیف ستایش مؤمنان بسیار می‌باشد،

گفته می‌شود: مؤمنان، نیکوکاران، خاشعان، بازگشت کنندگان، پند پذیران، یاد کنندگان، روزه گیرندگان و نماز خوانندگان و دیگر صفاتی که آن را می‌دانید، ولی در اینجا چیزی را اضافه نموده است، که همان تقوا می‌باشد: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲]؛ زیرا تقوا امری است که انجام دهنده‌ی خود را به هدایت الله سبحانه و تعالی می‌رساند و همان حفظ شدن به اذن الله تعالی و نتیجه‌ی آن استقامت بر منهج الله متعال می‌باشد و شخص را از منحرف شدن از کتاب الله تعالی و از سنت فرستاده‌اش ﷺ باز می‌دارد.

به همین دلیل الله ﷻ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ [الأنفال: ۲۹] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از الله [تعالی] تقوا پیشه کنید، برای شما قدرت تشخیص قرار می‌دهد و بدی‌های شما را پاک می‌کند) برای شما فرقان را قرار می‌دهد که شخص توسط

## نتیجه‌های تقوا ۷//۱

آن بین حق و باطل جدایی می‌اندازد و بر راه مستقیم قرار می‌گیرد.

\*\*\*

## تقوا از شبهه‌ها و شهوت‌ها مفا می‌نماید

به همین دلیل در هر رکعتی از نماز، چه واجب باشد و چه نافله، دعا می‌کنیم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ [الفاتحه: ۶-۷] (ما را به راه مستقیم هدایت نما \* راه کسانی که به آنها نعمت دادی، غیر غضب شدگان و غیر گمراهان). علماء رحمهم الله درباره‌ی این دعا گفته‌اند: درست آن است که تکرار شود و تجدید شدن آن فقط برای رسیدن به حق نمی‌باشد و از آن فهمیده می‌شود که امر مطلوب همان ثابت قدم ماندن بر حق است و از الله تبارک و تعالی درخواست می‌شود تا بر امر بزرگی ثابت قدم نماید؛ تکرار آن به انسان می‌شناساند که در هر وقت و در هر مکان نیاز به شناخت راه مستقیم وجود دارد و ما احتیاج داریم که الله ﷻ ما را هدایت نماید و این که راه مستقیم را بشناسیم و در هر امری از

امورمان، بر آن قرار بگیریم. و اگر نه به شکر الله تعالی، اسلام را می‌شناسیم و از الله عَزَّوَجَلَّ درخواست می‌نماییم تا ما را بر آن ثابت قدم نماید.

تکرار آن می‌رساند که در اسم اسلام و اعمال آن و مفهوم آن به صورت عام، نیاز به راه مستقیم داریم، تا امور ما اصلاح گردد و احوال ما مستقیم شود؛ بنده دائماً مورد هجوم شهوات و شبهه‌ها است و در اینجا و آنجا انحراف می‌یابد. به همین دلیل قتاده رحمه الله و دیگر پیشینیان درباره‌ی این سخن الله تعالی: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ [الطلاق: ۳] (کسی که از الله تقوا پیشه کند، برای او محل گشایشی قرار می‌دهد \* و از جایی که فکر آن را نمی‌کند، به او روزی می‌دهد) گفته است: «برای او گشایشی در شبهه‌ها و در مشکلات قرار می‌دهد»، شبهه‌ها به بعضی از قلبها وارد می‌شوند و در این حالت انسان نمی‌تواند از آن رهایی یابد و گاهی باعث بیماری قلب وی می‌شوند. چه

بسیار جوانانی بوده‌اند که الله سبحانه و تعالی آنان را هدایت نموده است و شبهه‌ها به آنها رسیده است تا آن که ایمان آنها از دست رفته است - پناه بر الله - یا آن که آنان را داخل وسوسه و شک نموده است. به همین دلیل انسان احتیاج دارد که از الله سبحانه و تعالی تقوا پیشه کند، تا توسط آن تقوا الله متعال او را حفظ نماید و برای او گشایشی از شبهات و همچنین شهوات قرار دهد.

تقوا سببی بر هدایت و تشخیص حق و باطل و استقامت بر دین الله سبحانه و تعالی می‌باشد، همان گونه که الله متعال به آن امر نموده است. اگر در پی حال پیامبر ﷺ و حال صحابه رضی الله عنهم باشیم، آنها را بهترین متقیان برای الله سبحانه و تعالی می‌یابیم و در تقوا اثرات و نتیجه‌ها و برکات بسیار عجیبی می‌یابیم.

رسول الله ﷺ و اصحابش رضی الله عنهم در عبادت الله متعال و اطاعت و ترس از عظمت وی چه حالی داشته‌اند؟... چه کسی می‌تواند اعمال و فضیلت‌های آن گروه مؤمن را بشمارد؟ در یک نکته

از دیگران جدا بودند که همان تقوا می‌باشد؟! تقوای از الله سبحانه و تعالی در آشکار و نهان، همان عمل نمودن به سفارش الله تبارک و تعالی است که نفرات اولیه و نفرات بعدی را به آن سفارش نموده است و این سفارش او شامل امتهای قبل از ما نیز بوده است و برای این امت از تمامی نواحی خیر به آن تشویق شده است و آن بزرگترین بهره و عظیم‌ترین نصیب می‌باشد.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ [النساء: ۱۳۱] (و همانا کسانی که قبل از شما به آنها کتاب دادیم و شما را به این امر نموده‌ایم که از الله تقوا پیشه کنید!). بهره‌ی این امت از تقوا - شکر الله تعالی - از بزرگترین بهره‌های آن می‌باشد، این است که باید از الله سبحانه و تعالی تقوا پیشه شود و آن در نهان و آشکار و راحتی و سختی می‌باشد؛ برای آنها هدایت وجود داشته است

و آنان هدایت یافته‌ترین گروه بودند و بهترین قرنی بودند که دنیا به خود دیده است!

به احوال آنها نگریسته شود، که چگونه بوده‌اند و این برای آن بوده است که از الله سبحانه و تعالی تقوا داشته‌اند... مردی از آنها بوده است که با زنی خلوت می‌نمود و شهوت خود را بدون ازدواج دفع می‌کرد و بعد از آن به سرعت نزد رسول الله ﷺ می‌رفت و می‌گفت: «ای رسول الله! من با زنی خلوت نمودم و این چنین و آن چنان کردم، پس ای رسول الله! مرا پاک کن و حدّ جرم مرا از حدود الله تعالی به اجرا در بیاور». دیگری بود که در فحشاء گرفتار می‌شد و از صحابه رضی الله عنهم بود و با شتاب نزد رسول الله ﷺ می‌رفت تا او را [با انجام حدود الله تعالی] پاک کند.

اما نفرات دیگر، برایشان این جُرم اتفاق نمی‌افتاد، آنان مقربان، نیکوکاران و نفرات اولیه از مهاجرین و انصار بودند و فحشاء هرگز برای آنها اتفاق نمی‌افتاد، ولی اگر کسی مرتکب آن می-

شد و او از آن گروه مبارک و نیک بود، نزد رسول الله ﷺ می-رفت تا آنها را [با انجام حدود الله تعالی] از آن پلیدی و ناپاکی، پاک گرداند.

عذاب دنیا را بر عذاب آخرت ترجیح می‌دادند؛ زیرا تقوا باعث حفظ آنها و خودداری آنها از داخل شدن به آن می‌شد، و اگر به آن گرفتار می‌شدند، تقوا آنان را به سوی هدایت و راه درست، باز می‌گرداند، ﴿تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۱] ((الله تعالی) را یاد می‌کنند و در نتیجه‌ی آن بصیرت پیدا می‌کنند). نزد رسول الله ﷺ می‌رفتند و پاکی را از او می‌خواستند. اگر آنها در آنچه بین آنها و بین الله تعالی رخ داده بود، توبه می‌نمودند، الله تبارک و تعالی، توبه‌ی آنها را قبول می‌نمود، همان گونه که الله تعالی به بندگان متقی‌اش این گونه وعده داده است، ولی آنها گروهی بودند که [انجام حد و پاک شدن خود] را انتخاب می‌کردند؛ زیرا آنها گروهی بودند

که به حقیقت تربیت یافته بودند و تقوا اساس آنها بود که امت بر آن برپا شده است.

می‌دانستند که الله تعالی یاور متقیان می‌باشد، همان گونه که خودش فرموده است و الله متقیان را دوست می‌دارد و می‌دانستند که عاقبت برای پرهیزگاران است و تمامی این موارد را در کتاب الله تعالی خوانده بودند و آنان متقیانی برای الله سبحانه بودند و الله عز و جل خیر دنیا و آخرت را نصیب آنها نمود. از آن خیرها پیروز شدن بر دشمنان، تأیید، توفیق یافتن و برکت آبادانی و رسیدن به ایمان، اطمینان خاطر و آرامش بوده است.

الله سبحانه و تعالی پادشاهی کسری و قیصر را به آنها عطا نمود و این هفت سال بعد از رسول الله ﷺ بود که در قبل از آن [از روی گرسنگی] ملخ می‌خوردند، بعد از جهاد نمودن با رسول الله ﷺ بود که آنها قبل از آن پا برهنه بودند و کفشی نداشتند تا توسط آن از شدت گرمای زمین در امان بمانند.

این بعد از آن بود که همراه رسول الله ﷺ در شب محاصره شدند تا آنجا که جعلان و بعضی از حشرات را می‌خوردند. این گونه بوده‌اند که سعد ﷺ آن را بیان داشته است: «هر کدام از ما به مانند گوسفند، قضای حاجت می‌نمود». بعد از آن که تمامی این موارد را دیدند ولی با این وجود، آنها بر تقوای الله تعالی و بر استقامت بر امر الله ﷻ باقی ماندند، [به چنین عزتی دست یافتند].

وقتی یکی از آنها اشتباهی می‌کرد یا مرتکب گناهی می‌شد، آن را به مانند کوهی می‌دید، زیرا رسول الله ﷺ آن گونه به آنها آموخته بود و گناه به مانند کوهی بزرگ است که نزدیک است بر سر انسان فرود بیاید.

به همین دلیل بود که الله تعالی بزرگی و قدرت یافتن و عزت بر روی زمین را برای آنها ممکن گرداند؛ زیرا الله سبحانه و تعالی، تمامی این موارد را برای بندگان متقی‌اش قرار داده است و در نتیجه‌ی آن الله تبارک و تعالی اعمال آنها را از آنان

قبول نمود، ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة: ۲۷] (الله [متعال، عبادت را] فقط از متقیان قبول می‌نماید).

حالت آنها همان گونه که حسن بصری رحمه الله گفته است، این گونه بود: «ابوبکر رضی الله عنه از آنها با زیاد بودن روزه و نماز و صدقه دادن پیشی نگرفت، بلکه از سنگینی چیزی بود که در اینجا قرار دارد» و آن سنگینی بود که بر روی قلب او وجود داشت.

عبادت ظاهری مثل نماز خواندن یا قرائت قرآن در صحابه رضی الله عنهم بیشتر از تابعین نبوده است و آنچه نقل شده است و در کتابهای سیره وجود دارد، عبادت تابعین بیشتر از عبادت آن پیشی گیرندگان بوده است، ولی ایمان و تقوای موجود در قلب آنها بیشتر بوده است و همنشینی با رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را در این منزلت و فضیلت قرار داده بود و به شکلی قوی پیشی گرفتند که در قبل از آنها وجود نداشته است و بعد از آنها نیز وجود نخواهد داشت و این از بخشش الله تبارک و تعالی بر آنها بوده است. دانستند که تقوا و صبر آنان را بر دشمنانشان

پیروز می‌گرداند و دشمنان آنها را نابود می‌نماید، زیرا الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ [آل عمران: ۱۲۰] (و اگر صبر کنید و تقوا پیشه نمایید، مکر آنها ذره‌ای به شما ضرر نمی‌رساند). دانستند که الله سبحانه و تعالی بندگان و دوستانش را یاری می‌نماید و پیروز می‌گرداند، حتی اگر تعداد آنها کم باشد. پس برای این از الله ﷻ تقوا پیشه کردند و در تمامی امور آن را وارد نمودند و مخصوصاً در زندگی‌شان این گونه بودند که در شب راهب بودند و در روز جنگاور.

أبو عثمان النهدي دانش آموز ابوهریره رضی الله عنهم أجمعین گفته است: «خانه‌ی ابوهریره ﷺ هرگز نمی‌خوابید، ابوهریره ﷺ یک سوم شب را برپا می‌داشت و زن او یک سوم دوم و کنیزش یک سوم آخر» چه خانه‌ی با آرامشی بوده است! ولی بنگرید به آثار این تقوا، الله تعالی توسط آن به آنها سود رساند و قرائت نمودن و حفظ کردن و تلاوت نمودن آنها تا

قیامت ادامه دارد و برای آنها اجری خواهد بود به اندازه‌ی اجر کسانی که از آنها تبعیت کردند، [بدون آن که از اجر تبعیت کنندگان چیزی کم شود]. پیامبر ﷺ فرموده است: «إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث» (وقتی فرزند آدم می‌میرد، عمل او قطع می‌شود، مگر در سه چیز)، از آنها علمی است که با منفعت باشد، الله تعالی با علم آنان نفع می‌رساند و برای آنها در آن اجر خواهد بود و این برای آن بود که از الله سبحانه و تعالی تقوا در ولایت خود داشتند و این چنین مایه‌ی شگفتی شدند.

عمر بن خطاب ؓ از امامان متقیان و سرور آنها بود، روزی در مدینه در بازار شتر قدم بر می‌داشت و مردم را در حالتی یافت که می‌خواستند، شتری را بفروشد و در بین آنها شتری را یافت که از دیگر شترها چاق‌تر بود، پرسید: این برای کیست؟ گفتند: برای عبدالله پسر عمر. او را صدا زد و گفت: ای عبدالله! این را از کجا بدست آوردی؟! چه شده است که

شتر تو چاقتر از شتران بقیه‌ی مسلمانان است. گفت: قسم به الله، ای امیرالمؤمنین! این شتر را با مال خودم خریده‌ام و برای آن چوپانی گرفتم تا همراه بقیه‌ی دامهای مسلمانان آن را چوپانی کند. گفت: تو را تکذیب نمی‌کنم و راست گفתי - وی علیه السلام هرگز تکذیب نمی‌نمود - ولی وقتی گرما حاصل می‌شد، گفته می‌شد، راه را برای شتر پسر امیرالمؤمنین باز کنید و وقتی آب نزدیک می‌شد، گفته می‌شد: آن را برای شتر پسر امیرالمؤمنین باز کنید و به همین دلیل شتر تو از شترهای بقیه‌ی مسلمانان چاق‌تر شده است. قیمت آن چقدر است؟ گفت: اینقدر. قیمت آن را پرداخت کرد و آن را خرید و در بیت المال مسلمانان قرار داد.

بله، در خوردن مال از الله تعالی تقوا پیشه می‌کردند و داخل شکم آنها آنچه را که الله سبحانه و تعالی حرام نموده بود، داخل نمی‌شد. وقتی الله تعالی حرام بودن شراب را نازل نمود و فرمود: ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ۹۱] (پس آیا دست می‌کشید؟)

گفتند: به پایان می‌رسانیم، پروردگار ما! به پایان می‌رسانیم، آنها با یک دهان آن را گفتند و در اینجا بود که کوزه‌های شراب را شکستند و آنان را پرتاب نمودند و بدون آن که جستجویی وجود داشته باشد، اثری از آن باقی نماند، زیرا آنها می‌دانستند که این امر مخالف تقوا است و آن را از بین بردند و از آن دوری کردند، زیرا آنها از الله سبحانه و تعالی تقوا پیشه می‌کردند و آنها از الله ﷻ می‌ترسیدند.

آنان در جنگها و معارك می‌دانستند که یاری شدن و پیروزی برای متقیان است و چیزی پیروزی را عقب نمی‌اندازد، مگر گناهان، به همین دلیل وقتی پیروزی آنها عقب می‌افتاد و شهر یا قلعه یا سرزمینی فتح نمی‌شد، می‌گفتند: حتما در تقوای ما مشکلی به وجود آمده است. این امیرالمؤمنین عمرؓ بود که وقتی [لشکر اسلام به فرماندهی سعدؓ] در مواجهه با فارس قرار گرفت که در آن زمان قوی‌ترین کشور بود، به او گفت: «ای سعد! تو را و سربازانی که با تو هستند را به تقوای الله ﷻ

سفارش می‌کنم و تقوای از الله تعالی بزرگترین کمک برای پیروزی بر دشمن است و مسلمانان فقط برای این یاری می‌شوند که از الله تعالی تقوا دارند و دشمنشان نافرمانی می‌کند و اگر ما و آنها در یک درجه از نافرمانی قرار بگیریم، آنها از ما دارای قدرت بیشتری می‌باشند». بله، آن را دانستند و به همین دلیل از متقیان بودند، در بین آنها کسی نبود که از غنیمت‌ها دزدی نماید، در بین آنها کسی نبود که خیانت کند، بلکه آنان در این امر دارای شدیدترین موشکافی بودند و شدیدترین کوشش را می‌نمودند تا آن که در بیان آنها کوتاهی کننده یا گناهکار یا مجرم وجود نداشته باشد. وقتی این جبهه‌ی داخلی را تضمین می‌نمودند، در تمامی لشگر، تقوای از الله تعالی تضمین می‌شد و آنان به یاری و پیروزی از طرف الله تعالی دست می‌یافتند که آن را به بندگان متقی‌اش وعده داده بود و بدین شکل غلبه و پیروزی برای آنها حاصل می‌شد و به اذن الله ﷻ پیروز می‌شدند.

آنان با پرهنه و بی چیز بودند، کسانی که از سرزمین و اموالشان به ناحق اخراج شدند، کسانی که به سوی الله و فرستاده‌اش هجرت نمودند و دارای چیزی نبودند و نفسهایشان را در راه الله ﷻ فروختند و روزی آنها در حد بخور و نمیر بود، تا آنجا که ممکن بود کسی از آنها به غذای خود نرسد، ولی این گونه شدند که عتبۀ بن غزوآن رضی الله عنه گفته است: «ولی امروز هر کدام از ما امیری بر شهری از شهرها می‌باشد». الله اکبر! بعد از آن که کم و مستضعف بودند و می‌ترسیدند که مردم آنها را بربایند، هر کدام از آنها امیری بر شهری از شهرها شده بود، الله تعالی به آنان گنجهای کسری و قیصر و مملکت آنها و اطراف آنها و آنچه را که از ساختمانها بلند کرده بودند و آنچه که جمع نموده بودند و بنا نهاده بودند را به آنها عطا نمود، تمامی این برای آن بود که آنها دوست الله تعالی بودند و الله تعالی یاور متقیان است.

از الله تعالی تقوا پیشه نمودند و الله تبارک و تعالی آنان را  
دوستان خود قرار داد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ  
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾  
[یونس: ۶۲-۶۳] (آگاه باشید که دوستان الله [تعالی] نه ترسی  
دارند و نه غمگین می‌شوند \* کسانی که ایمان آورده‌اند و تقوا  
پیشه می‌کنند) بر اساس ایمان و تقوا است که امت یا فرد یا  
فرمانده یا دانشجو یا عالم و هر انسان دیگری به پیروزی و  
قدرت یافتن و روزی دست می‌یابد، بله، پیامبر ﷺ فرموده  
است: «وإن الرجل إن العبد ليحرم الرزق بالذنوب يصيبه»  
(روزی مرد یا بنده‌ای قطع نمی‌شود، مگر به واسطه‌ی گناهی  
که انجام داده است)، به همین دلیل الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَنْ  
يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾  
[الطلاق: ۲-۳] (و کسی که از الله [متعال] تقوا پیشه کند، برای  
او گشایشی قرار می‌دهد \* و از جایی که فکر آن را نمی‌کند،  
به او روزی می‌دهد). از جایی روزی او می‌آید که فکر آن را

نمی‌کند و به آن امید ندارد و این از روی تقوای از الله سبحانه و تعالی می‌باشد، ولی وقتی گناه می‌کند یا جرمی مرتکب می‌شود یا نافرمانی می‌کند، روزی از او قطع می‌شود.

این چنین است که علم و آگاهی قطع می‌شود. همان گونه که ابن مسعود رضی الله عنه گفته است: «مردی مسأله‌ای از علم را فراموش نمی‌کند، مگر برای مرتکب شدن به خطایی» سبحان الله! این گروه چگونه بودند؟ آن سروران به نور الله تعالی چگونه می‌نگریستند؟ سرپرستی از طرف الله برای آنان محقق شد و محبت الله تعالی و یاری الله ﷻ به آنها رسید و در بین جهانیان به آنها منزلت داد.

از نتایج تقوا و از نتایج بزرگ آن: یقین، اطمینان خاطر، آرامش و ایمانی است که انسان شیرینی آن را در قلبش حس می‌کند، برای او راحتی می‌شود وقتی که تاریکی‌ها شدت می‌یابند و کارهای سخت برای او آسان می‌شود و جلوی سختی‌های مصیبت‌ها را می‌گیرد و برای او اطمینان خاطر و

آرامش و امان خواهد بود... ترسناک‌ترین چیز برای او این است که در تقوای او خللی ایجاد شود و ترسناک‌ترین چیز که از آن می‌ترسد این می‌شود که در تقوای او از الله تعالی، نقصانی ایجاد شود... اما همراه تقوا هر چیزی برای او آسان می‌شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنْ لَمْ يَكُنْ بَكَ غَضَبٌ عَلَىَّ فَلَا أَبَالِي» [یا الله!] اگر از طرف تو خشمی بر من وجود نداشته باشد، چیز دیگری برایم مهم نمی‌باشد).

برای او شیرینی حاصل می‌شود، در حالی که زندگی سخت است و برای او رضایت‌مندی وجود دارد، وقتی که مردم خشمگین هستند.

آنان به آنچه نزد الله سبحانه و تعالی وجود دارد، امید داشتند و از ابهت و عظمت الله تعالی می‌ترسیدند و این ترس برای آنها از کسی غیر از او وجود نداشت. قلبهای آنها اطمینان خاطر می‌یافت که الله تعالی حافظ آنها می‌باشد و الله متعال حامی آنها است و الله ﷻ یاری رسان و پیروز کننده‌ی آنهاست، بر الله

یکتا و بی‌شریک توکل می‌نمودند و قلب آنها با آن اطمینان خاطر و آرامش می‌یافت، و در نتیجه‌ی آن الله عز و جل ترس، هراس، دغدغه و اضطراب را در قلب دشمنان آنان جای می‌داد.

وقتی نامه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله به هرقل رسید - او بزرگترین پادشاه در جهان بود - از ابوسفیان سوالهایی پرسید که معروف می‌باشند، تا آنجا که گفت: «قسم به الله آنچه در زیر این دو پای من است، به او می‌رسد» یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله مالک آن [مکانی که او بر روی آن قرار دارد] می‌شود، و این امری بود که به وقوع پیوست و آن سرزمین‌ها فتح شد و به شکر الله تعالی غنیمت مسلمانان گردید.

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «نصرت بالرعب مسيرة شهر» (به فاصله‌ی یک ماه با ترساندن، یاری شده‌ام) (به این معنا که کسانی که با من به اندازه‌ی یک ماه فاصله دارند، از من می‌ترسند).

این خاص پیامبر ﷺ نمی‌باشد، بلکه شکر الله تعالی برای تمامی امت است، همان گونه که وقایع و تجربه آن را به ما نشان داده است؛ صحابه رضی الله عنهم و مؤمنان فاتح بعد از آنها، با ترسیدن دشمن یاری می‌شدند و شمشیرها برپا می‌شد و بالا می‌رفت و آن در راه جهاد در راه الله تعالی و پیاده شدن حکم الله تعالی مورد استفاده واقع می‌شد، تا آن که الله ﷻ ترس را در قلب دشمنان آنها القاء می‌نمود، حتی اگر در دورترین نقاط زمین بودند و این از فضل الله تعالی بر رسول ﷺ در اول و در مرحله‌ی بعد برای امت بود.

خودم و شما برادرانم را به تقوای از الله تعالی در آشکار و نهان سفارش می‌کنم، همان گونه که رسول الله ﷺ معاذ رضی الله عنه را سفارش نمود و به او فرمود: «إني أحبك في الله اتق الله حيثما كنت، وأتبع السيئة الحسنة تمحها، وخالق الناس بخلق حسن» (من تو را برای الله دوست می‌دارم، هر کجا که بودی از الله تقوا پیش کن! و در پس بدی، نیکی انجام بده تا آن را محو

کند و با مردم با اخلاق نیکو رفتار کن!)، این چنین است که  
 الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ  
 حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲]  
 (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله به اندازه‌ی حق تقوایش  
 تقوا پیشه کنید و نمیرید، مگر آن که مسلمان [بمیرید]).

عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: «تقوا به اندازه‌ی حق تقوایش  
 به این معناست که اطاعت شود و نافرمانی نگردد، یادآوری  
 شود و فراموش نشود و شکر شود و کفران نعمت صورت  
 نگیرد»، خودم و برادرانمان را به این که از الله تبارک و تعالی  
 در هر کجا که بودیم تقوا داشته باشیم، سفارش می‌کنم و برای  
 او صلی الله علیه و آله از اطاعت کنندگان، یاد کنندگان و شکر کنندگان باشیم؛  
 اگر این گونه باشیم، قسم به الله، نتایج تقوا را می‌بینیم، که برای  
 ما از طرف الله سبحانه و تعالی ارسال می‌شود، همان گونه که  
 باران بر زمین خشک ارسال می‌شود و در نتیجه‌ی آن هر

گیاهی زوج زوج در آن می‌روید و نمو پیدا می‌کند، البته به اذن الله سبحانه و تعالی.

این وصیت رسول الله ﷺ بود که خودم و برادرانم را به آن سفارش نمودم، ما اکنون در زمانی هستیم که زندگی بر ما تنگ شده است و در حوادث و اتفاقات و مصیبت‌هایی است که قسم به الله، توانایی مقاومت آن را نداریم و الله تعالی سختی‌های آن را از ما دفع نمی‌نماید و برای ما از شرّ آن کافی نمی‌شود، مگر آن که توشه‌ی بزرگ تقوا را برای خود مهیا کنیم... ای امت اسلام! توشه جمع کنید که بهترین توشه تقواست... از تقوای الله توشه جمع کنیم و اسباب دفع دشمنان الله تعالی را مهیا سازیم، تمام سبب‌های مادی و معنوی را بگیریم که در رأس همه آنها این است که از الله سبحانه و تعالی تقوا پیشه کنیم و بر او توکل نماییم و آنچه را که می‌توانیم برای آن تهیه کنیم تا ان شاء الله به رضایتمندی الله تعالی دست یابیم.

[در ادامه‌ی این سخنرانی سؤالاتی از ایشان شد که به آنها پاسخ دادند، ولی چون درباره‌ی موضوع این کتاب نبود، از آوردن آن خودداری نمودم]. از الله بزرگوار، پروردگار عرش بزرگ درخواست می‌نمایم تا ما و تمامی برادران مسلمان را رحمت نماید و شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است.